



تصویرگری کتاب‌های آموزشی

● دکتر محمود معافی

مقدمه

محتوای یک کتاب آموزشی شامل تعاریف، نظریات، اصول، حقایق و فعالیت‌ها و یا پیام‌هایی است که به صورت نوشتار و یا تصویر به مخاطبان ارائه می‌شود. استفاده از تصویر برای انتقال مفاهیم آموزشی، سابقه‌ای دیرینه دارد. مصریان قدیم نخستین ملتی بودند که از خط و تصویر برای انتقال پیام استفاده کردند. خطوط هیروگلیف، در واقع نوعی خط تصویری بود. راهبان بودایی و آبابی کلیسا، نخستین مریبانی بودند که از تصویر برای بیان موضوعات تاریخی و مذهبی در کلیساها و یا معابد سود جستند. قبل از ظهور اسلام، مانی از رهبران دینی ایران باستان به اهمیت نقاشی در تفهیم موضوعات دینی و اجتماعی پی برد. پستانلزی از مریبان اروپا، اولین بار بر استفاده از تصویر در کتاب‌های درسی برای ایجاد انگیزه در کودکان تأکید کرد.

تصویر آموزشی چیست؟

تصویر، بیان موضوعات، مفاهیم، توصیفات، ارتباطات، ارزش‌ها، کمیت و یا کیفیت اشیا و شخصیت‌ها به صورت دو یا سه بعدی است. تصاویر ممکن است، به صورت عکس، نقاشی، نقشه، عکس-نقشه، طرح، جدول، نمودار و کلاژ در کتاب‌های آموزشی آورده شوند.

۲۱۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۶

۳۲

هنر تصویرگری چیست؟

هنر تصویرگری، به گزینش و به کارگیری تصاویر توضیح دهنده و توصیف کننده برای بیان مفاهیم اشاره می کند. در تصویرگری، ممکن است نقاش، عکاس، گرافیسیت، صفحه آرا، روان شناس، مؤلف، معلم، متخصص موضوعی و مدیر هنری در کنار یکدیگر. گاه به صورت گروه های دو یا سه نفری، با یکدیگر کار کنند تا بتوانند پیامی را به شکل مؤثر به مخاطب منتقل کنند. هنر تصویرگری تابع اصول و معیارهای خاصی است. آگاهی تصویرگران از این معیارها به بهبود کیفیت تصاویر آموزشی کمک می کند.

کاربرد تصویر در آموزش

از تصاویر آموزشی، ممکن است برای آموزش مفاهیم، کنش ها، مهارت ها، فرایندها، رابطه ها، پدیده ها، رخدادها، اجزای یک شیء، ابعاد (دو بعدی، سه بعدی)، افعال، حالت ها، شباهت ها، تفاوت ها، تضادها (روشنایی، تاریکی...)، مقایسه ها (بلند، بلندتر، بلندترین...) شخصیت ها، بازآفرینی احساس، انتقادها، اندازه ها، کشف ها، اشکال، احجام، روابط فضایی، موضوعات مجرد، داستان سازی، سنجش تاریخی و گذر زمان و یا تغییرات و دگرگونی ها استفاده شود. نوع تصویر، متأثر از محتوای ماده ی آموزشی، و حاصل تعامل و توافق تصویرگر با متخصص آموزشی است.

تفاوت های تصویرگری و نقاشی

۱. نقاشی بر پایه ی احساس نقاش، اما تصویر بر پایه ی اصول هنرمندی آفریده می شود.
۲. تصویر، توضیح و تعریف پذیر است، اما نقاشی چنین نیست.
۳. تصویر، تکثیرپذیر، اما نقاشی تکثیرناپذیر است.
۴. تصویرگر، خود را رها می کند و «غیر» را جلوه می دهد، ولی نقاش خود را به نمایش می گذارد.
۵. تصویر، در پیکره بندی وحدت ندارد و در صحنه های پی در پی ارائه می شود، اما نقاشی پیکره ای یگانه دارد و یکجا ارائه می شود.
۶. ترکیب بندی تصویر، به ویژه در کتاب های تصویری، دستخوش تأثیرات عامل های گوناگونی چون صفحه صفحه بودن کتاب، وجود متن در کنار تصویر، نوع حروف، نوع کاغذ و قطع کتاب است، اما نقاشی چنین مشکلی ندارد.
۷. بافت تصویر از عوامل گوناگون چاپ آسیب می بیند، اما نقاشی چنین مشکلی ندارد.
۸. تصویرگر در گزینش سبک، محدودیت دارد؛ زیرا علاوه بر احساس عاطفی، «اندیشه» را نیز در کار خود می گنجانند. از این رو، از تجرید فاصله می گیرد و به واقعیت می گراید. به عبارت دیگر تا حدی واقعیت نگاری می کند، اما نقاش چنین محدودیتی ندارد.
۹. تصویرگر پای بند نگرش ها و باورهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... نویسنده و مخاطبان است، اما نقاش چنین محدودیتی ندارد.
۱۰. هنگام داوری درباره ی کار تصویر ساز، تصویرهای چاپ شده ی او ملاک قرار می گیرد، اما درباره ی کار نقاش، اصل آثار ارزیابی می شوند.

اصول و معیارهای تصویرگری

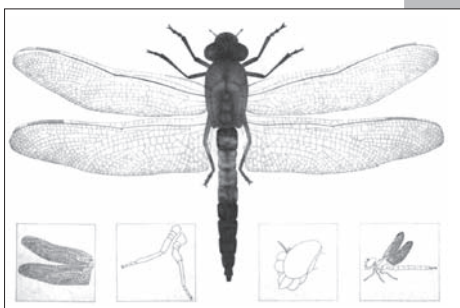
همان گونه که اشاره شد، برای تولید یک تصویر مناسب، رعایت اصول و معیارهای گوناگونی ضرورت دارد. این اصول منبعث از یک سلسله نظریات در زمینه‌های هنری، ارتباطاتی، روان‌شناسی، آموزشی، محیطی و اجتماعی هستند. لازم به ذکر است که امکان به کارگیری همه این اصول در یک تصویر آموزشی نه میسر است و نه منطقی. تصویرگر خود با توجه به هدف هر تصویر و مخاطب، شایسته است که به گزینش اصول موردنظر از موارد پیشنهادی اقدام کند. مهمترین این اصول عبارتند از:

داشتن نگاه علمی در تصویرگری متون علمی و تا حدی دوری از

عنصر خیال‌پردازی

در تصویرگری متون علمی، عنصر خیال باید در خدمت نگاه علمی و آموزشی باشد. این امر یکی از ویژگی‌های اصلی تصویرگری متون علمی غیرتخیلی است.

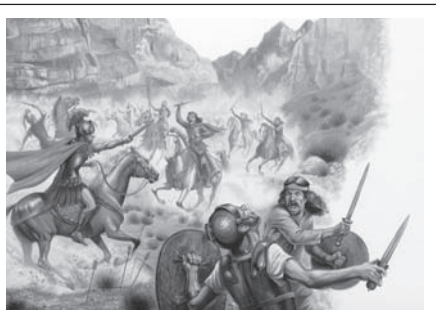
تصویر شماره ۱ سنجاکی را نشان می‌دهد. همانگونه که در این تصویر دیده می‌شود نیازی در به کارگیری عنصر خیال در تصویرگری سنجاکک توسط تصویرگر نیست.



هماهنگی تصویر با متن

عناصر تصویری باید با درونمایه‌های حسی و مفهومی متن هماهنگ باشند و تصویرگر، نخست باید به کمک مؤلف مفاهیم اساسی هر متن را جست‌وجو کند و در تصویر خود راه دهد.

تصویر شماره ۲ جنگ پارتیان با رومی‌ها را نشان می‌دهد. همانگونه که در این تصویر ملاحظه می‌شود، عناصر این تصویر که برای یک متن تاریخی و صحنه جنگی تهیه شده است، درونمایه‌های حسی و مفهومی متن را به خوبی نشان می‌دهد.



۲۱۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۶

۳۴

توجه به نیازهای گروه سنی فراگیران، و فرایند رشد دانش آموز و علائق او

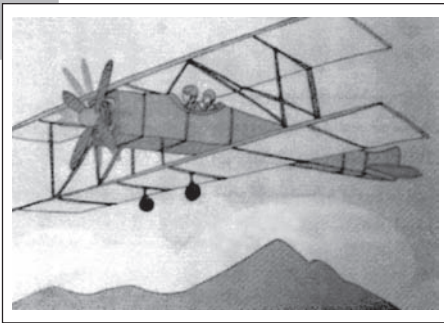
نیازها و علائق دانش‌آموزان در گروه‌های سنی متفاوت، با هم فرق دارند. شناخت ویژگی‌های روان‌شناختی کودک و علاقه‌مندی‌های او از نخستین اصول تصویرگری به شمار می‌رود. تصاویر زیبا و پرکار، اما به دور از ویژگی‌های سنی کودک، ارزش آموزشی کمتری دارند. کودکان، در مقایسه با بزرگسالان، احساسی‌ترند و از طریق تصویر راحت‌تر از مطالعه و درک

مطلب، پیام‌پذیری دارند.

حس بینایی کودکان پیش‌دبستانی هنوز از مهارت لازم و کافی برای تشخیص تمام امواج نوری، مثل طول موج‌های مربوط به رنگ‌های آبی برخوردار نیست. در تصویرسازی برای این گروه از کودکان باید تا آن‌جا که امکان دارد، از رنگ‌های آبی کمتر استفاده شود؛ زیرا علم عصب‌شناسی ثابت کرده است که چشم انسان ابتدا رنگ زرد و بعد رنگ قرمز و در آخر رنگ آبی را به راحتی می‌بیند. کودکان دبستانی از سطوح تخت که رنگی ساده دارند و نیز رنگ‌های شاد و گرم بیشتر لذت می‌برند. نوجوانان دوره‌ی راهنمایی از واقعیت‌گرایی و مستندسازی در تصاویر (عکس‌های واقعی) و استفاده از طیف‌های رنگی و رنگ‌های خنثی بیشتر لذت می‌برند.

اصل سادگی

هرچه اجزای یک تصویر آموزشی، در جهت القای پیام مورد نظر، وحدت بیشتری داشته باشد و عوامل غیر ضروری در آن حذف و با جزئیات کمتری نمایش داده شود، آن تصویر برای نمایش و ایجاد شرایط مناسب برای یادگیری، مطلوب‌تر و جالب‌تر خواهد بود، سادگی تصویر تابع سن مخاطب و موضوع آموزش است. تصویر شماره ۳ داستان پرواز برادران رایت را نشان می‌دهد. در این تصویر هواپیما با جزئیات کمتری نشان داده شده است.



تصویر شماره ۳

اصل پیوستگی

چشم انسان در طبیعت، معمولاً به وحدت بصری عادت دارد. برای مثال، به صورت تجربی دریافته است که کوه‌ها با ابرها، درخت‌ها با هم، ساختمان‌ها با یکدیگر و... در یک سامانه یا نظام قرار دارند. تصویر شماره ۴ بیانگر اصل پیوستگی در نمایش طبیعت است.



تصویر شماره ۴

۲۱۹۱۹۰

زمستان ۱۳۸۶

۳۵

اصل توازن در فرم‌ها و ترکیب‌ها

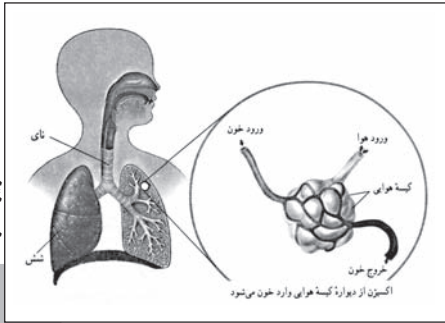
طبق یافته‌های محققان، چشم انسان می‌تواند هفت یا هشت عنصر و فرم متفاوت را در یک ترکیب، در آن واحد، تمیز دهد. اگر شمار فرم‌ها بیشتر از این باشد، در مخاطب اغتشاش بصری پیش می‌آید. پس عناصر بصری در یک تصویر باید به حداقل برسند. برای مثال، در نمایش میزهای ناهارخوری در یک رستوران، به جای میزهای مستطیل شکل، می‌توان از میزهای دایره‌ای شکل همراه با صندلی‌هایی که پشتی هلالی شکل دارند، استفاده کرد. مجموعه‌ی این‌ها یک شکل هندسی هماهنگ را تشکیل می‌دهند و عناصر بصری در آن‌ها به حداقل می‌رسد.



در تصویر شماره ۵ چشم بیننده قادر به دیدن عنصر رنگ و فرم های متفاوت در یک ترکیب واحد است.

اصل تأکید

از این اصل با نام «اصل نقطه‌ی اوج» و یا «اصل نقطه‌ی طلایی» نیز یاد می‌شود. در این اصل، تصویرگر عنصر بصری را به صورت غیرمترقبه، با فشار و تأکید در یک ترکیب‌بندی تصویری به بیننده ارائه می‌کند. برای مثال، اگر هدف تصویرگر آموزشی، انتقال مفهوم «قلب انسان» باشد، استفاده از اصل تأکید ایجاد می‌کند که در یک چارت آموزشی، خطوط محیطی بدن ترسیم شوند و فقط عضو «قلب» رنگ زده شود. تصویر شماره ۶ از طریق بزرگنمایی کیسه هوایی و خطوط محیطی دستگاه شش انسان بر رساندن اکسیژن از طریق کیسه هوایی بر خون تأکید دارد.

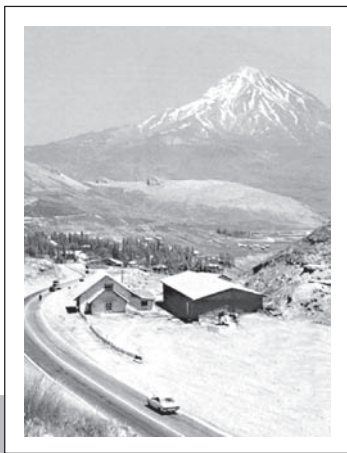


تصویر شماره ۶

توجه به اصل پیوند محیطی و مکانی

جانوران، گیاهان، و انسان‌ها در مکان‌های خاصی زندگی می‌کنند. مسکن و لباس انسان‌ها در محیط‌های گوناگون متفاوت است.

جانوران و گیاهان بیابان‌های ایران، صحرای آفریقا، بیابان‌های آریزونا در آمریکا و صحرای آتاکاما در شیلی باهم متفاوت هستند. برای مثال، هرگاه هدف نمایش جانوران، گیاهان و مسکن انسان‌ها در مناطق استوایی باشد، نمی‌توان جانوران مناطق استوایی و معتدله، و گیاهان پهن‌برگ و سوزنی‌برگ را در یک تصویر همراه با هم نمایش داد. و اگر هدف نمایش مکان‌های زندگی سیاهان آفریقایی باشد، از تصاویر سیاهان در اویدی هند نمی‌توان استفاده کرد. رعایت اصل پیوند محیطی و مکانی موجب معنی‌دار بودن تصویر و درک ارتباطات محیطی پدیده‌ها می‌شود. در تصویر شماره ۷ تصویرگر تلاش کرده است که پیوند محیط و مکان را با یکدیگر نشان دهد.



تصویر شماره ۷

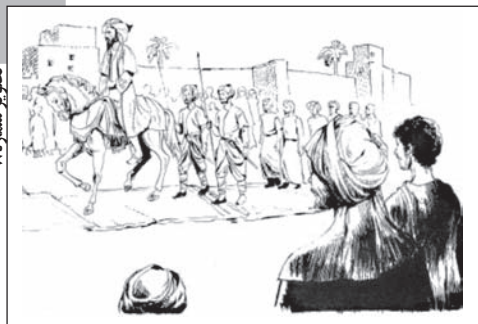
۲۱۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۶

۳۶

اصل تعادل

منظور از تعادل، پراکنندگی عادلانه و منطقی اجزای جالب و جذاب تشکیل‌دهنده‌ی یک تصویر

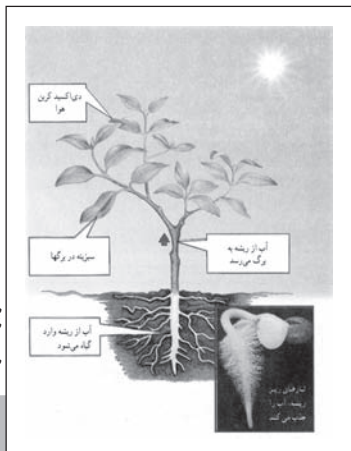


است. تعادل ممکن است از نوع رسمی یا غیررسمی باشد. در تعادل رسمی، هدف ایجاد اثری ساده، آرام کننده، رسمی، ساکن و کم انرژی است. برای مثال، نمایش چهره‌ی انسان و جانوران از روبه‌رو یا پشت سر.

در تصویر شماره ۸، همانگونه که بیننده مشاهده می‌کند، پراکندگی اجزاء تصویر به شکل منطقی و عادلانه نشان داده شده است.

رعایت اصل توازن بین زمینه و موضوع

فضای یک تصویر بر دو گونه است. زمینه یا فضای منفی، موضوع یا فضای مثبت. در تصویرگری، برای بیان بهتر موضوع باید آن را از زمینه جدا کرد و همیشه هوشیار بود که شیفتگی نسبت به زمینه، بیننده را از موضوع غافل نکند. برای مثال، اگر موضوع تصویر نمایش جوانه‌ی یک ساقه و بیان زندگی گیاهی باشد، قرار دادن این موضوع در پس زمینه‌ای که دارای تنه‌ی یک درخت با پوستی مشبک است، باعث نادیده گرفتن موضوع اصلی توسط بیننده و ضعف تصویر برای بیان منظور اصلی می‌شود. تصویر شماره ۹ با توجه به اصل توازن بین زمینه و موضوع طراحی شده است.



تصویر شماره ۹

اصل رابطه‌ی تصویر با معیارهای اندازه گیری

عناصر بصری می‌توانند روی یکدیگر تأثیر بگذارند و همدیگر را تعدیل کنند یا تغییر دهند. مهم‌ترین عامل تعیین کننده در این زمینه، مقیاس‌ها یا معیارهای اندازه گیری است. بزرگی و کوچکی، بلندی و کوتاهی، وسعت و باریکی و سایر نسبت‌ها، تنها در مقایسه‌ی اندازه‌ی اشیاء با یکدیگر و یا در مقایسه‌ی اعضای بدن انسان، قابل درک و فهم است. برای مثال، در یک تصویر آموزشی، اندازه‌ی واقعی ارتفاع یک آبشار، زمانی نمود پیدا می‌کند که انسانی سوار بر اسب کنار آن قرار گرفته باشد و یا در تصویر دیگری، برای نمایاندن عظمت اهرام ثلاثه‌ی مصر، می‌توان عرب شترسواری را پای اهرام آورد تا چشم، بزرگی اهرام را راحت‌تر درک کند.

در تصویر شماره ۱۰ بزرگی و کوچکی اشیاء، بلندی و کوتاهی آن‌ها و مقایسه با یکدیگر قابل درک و فهم است.



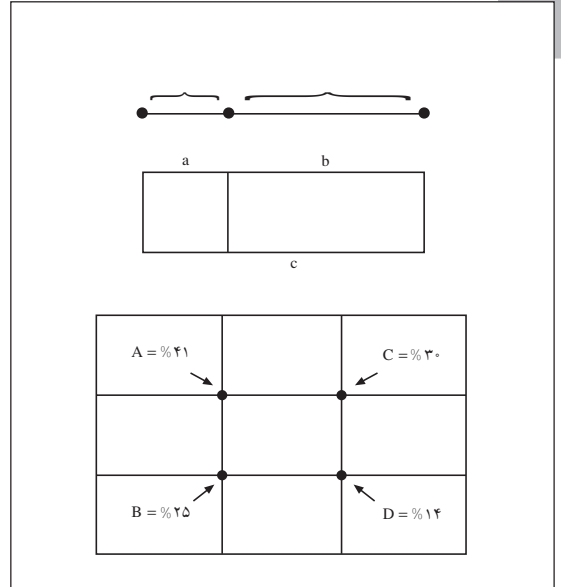
تصویر شماره ۱۰

اصل ترکیب بندی

منظور از ترکیب بندی، جمع آوری و تنظیم اجزای متفاوت و مستقل از هم برای تشکیل یک کل زیبا و موزون است. برای خلق ترکیب بندی صحیح، توجه به دو اصل: نسبت های طلایی و نقاط طلایی ضروری است.

منظور از نسبت طلایی، معین ساختن نقطه ای روی یک پاره خط یا شکل است که بیشترین توجه کودک را به خود معطوف می دارد. تحقیقات نشان می دهند که این نقطه بر روی یک پاره خط یا یک شکل، به فاصله $\frac{1}{3}$ از سمت چپ آن خط و یا شکل قرار گرفته است.

منظور از نقاط طلایی، نقاط پرانرژی و یا کم انرژی هستند که توجه بیننده به ترتیب اهمیت بدان ها جلب می شود. در یک تصویر، نقاط بالا و چپ معمولاً قدرت جذب بیشتری دارند تا نقاط راست. از سوی دیگر، درصد جذب در این نقاط متفاوت است. شکل مقابل نقاط پرانرژی و کم انرژی را در یک شکل یا یک صفحه کاغذ، به نسبت درصد، نشان می دهد.



اصل تأثیرات روانی خطها

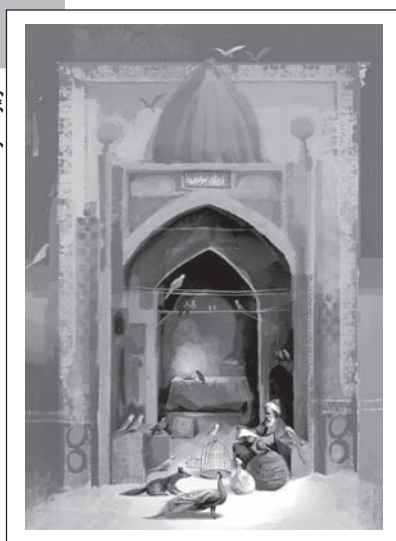
خطوط افقی، منحنی، عمودی، دندانه دار و مورب، هر یک تأثیرات روانی خاص خود را دارند. خطوط افقی مانند خط تماس دریا با جو یا خط تماس زمین های هموار با جو در بیننده احساس آرامش پدید می آورد. خط کناری ابرها، پستی و بلندی های شنی یا قوس های نرم و تکراری، چشم را نوازش می دهند. تیزی سنگ ها و خطوط کوهستان ها، حالت ترس و احتیاط را در کودکان ایجاد می کنند. یک خط مورب مانند خط دیوار کج این احساس را در بیننده ایجاد می کند که هر لحظه بیم افتادن آن می رود. پس غیر قابل اطمینان است. خطوط عمودی، مانند ساختمان های بلند و درختان سییدار نگاه را به طرف بالا می کشانند و نیروی خود را به ما تحمیل می کنند، خطوط آزاد فاقد نقطه ی انتهایی، احساس جست و جو کنندگی را القا می کنند و خطوط دندانه دار با زاویه های تند در فرد ایجاد هراس می کنند.

خط های منحنی و شکل های دورانی عشق و محبت را القا می کنند و شکل های هندسی با خطوط زاویه دار و اندازه های متشابه نفرت را که ضد عشق است منتقل می کنند. برای مثال، در ترسیم چهره ی دشمن می توان از خطوط تیز و شکننده و در ترسیم چهره ی دوست از خطوط نرم و منحنی استفاده کرد.

به هر حال، با شناخت تأثیرات روانی و بصری خط و کاربرد صحیح آن می توان به ارزش هر نوع تصویر، به ویژه تصویرهای آموزشی، پی برد.

اصل تأثیر روانی شکل ها و رابطه ی آن ها با تصویر آموزشی

شکل، نحوه ی طراحی خط و سطح برای تجسم یک شیء است. تماشای یک شکل یا جسم از



زوایای متفاوت، تأثیرات متفاوتی از مجموعه خطوط و یا سطوح بر بیننده باقی می‌گذارد. شکل نیز مانند خط دارای تعبیر متفاوتی است. شکل‌های مثلثی و سایر شکل‌هایی که خطوط مایل دارند، تحرک بیش‌تری نسبت به شکل‌های چهارگوش از خود نشان می‌دهند و احجام فضایی، چون کره که فاقد رأس، پهلو و پایه هستند، متکی به خود به نظر می‌رسند و از تعادلی معلق برخوردارند. در تصاویر آموزشی، بهره‌گیری از سه شکل مثلث، دایره و مستطیل بیشتر رواج دارد. در تصویر شماره ۱۱ خطوط دایره، مثلث و مستطیل اثر آرام‌کننده بر چشم بیننده بر جای می‌گذارد.

◀️ خواص روانی رنگ‌ها و رابطه‌ی آن‌ها با تصویر

تأثیر رنگ‌ها بر اعصاب انسان به صورت‌های گوناگون آزمایش شده است. رنگ‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: گرم، سرد، و خنثی.

– **رنگ‌های گرم:** رنگ‌هایی چون زرد، نارنجی و قرمز را شامل می‌شوند. این رنگ‌ها را رنگ‌هایی مثبت، متجاوز، بی‌آرام و تهییج‌کننده می‌دانند.

– **رنگ‌های سرد:** شامل رنگ‌های بنفش، آبی و سبز هستند. این نوع رنگ‌ها، منفی، غیرمتجاوز، دوری‌گزین، و کناره‌گیر و آرام و ساکت به‌شمار می‌روند.

– **رنگ‌های خنثی:** مثل سیاه، سفید و خاکستری، و معمولاً اثری تا حدی اندوه‌بار بر ما می‌گذارند. رنگ سفید، نماد عفت، پاکدامنی، پارسایی، بی‌گناهی و حقیقت است. مهم‌ترین جنبه‌ی نمادی آن، صلح و متارکه از جنگ است که پرچم سفید نیز همین معنی را می‌دهد.

رنگ سیاه، رنگ افسردگی، سنگینی، و عمق است. در عین حال نماد رازداری، پوشیدگی، و غم و اندوه نیز هست. این رنگ، هم آثار روانی مثبت دارد، هم منفی.

◀️ اصل خیال‌برانگیزی

تخیل برانگیز بودن تصاویر می‌تواند عاملی در بروز خلاقیت و استعداد در کودکان باشد. **پوری شال و تیز معتقدند**، تصاویری که جنبه‌ی انگیزشی داشته باشد، می‌تواند کودک را به مشارکت فعال در جانشین کردن تصاویر یا پندارهای ذهنی، تشویق کند. تصاویر خیال‌برانگیز، نه تنها ذهن کودک را محدود نمی‌کنند، بلکه به گسترش ذهن و تخیل او دامن می‌زنند.

تصاویر خیال‌برانگیز، امکان تصور حضور کودک در موقعیت‌های گوناگون، و پرواز فکر و کشف و دنبال کردن پدیده‌ها را برای او فراهم می‌کنند. بدیهی است در به کارگیری عنصر خیال در موضوعات علمی باید دقت کرد. تعامل تصویرگر با نویسنده در این خصوص یک ضرورت است.

تصویر شماره ۱۲ این امکان را به کودک می‌دهد که بتواند درباره جهان به گونه دیگری فکر کند و به گسترش ذهن و تخیل خود دامن بزند.





◀ اصل ایمنی عاطفی

تصویر نباید موجب ترس و وحشت کودک باشد، بلکه برعکس باید در او ایجاد آرامش کند تا با تصویر انس گیرد و تمایل قلبی بدان پیدا کند. تصویر شماره ۱۳ ریزعلی دهقان فداکار را نشان می‌دهد. کودک با دیدن تصویر به عمل ریزعلی علاقمند می‌شود و با خود می‌گوید ای کاش من چنین کاری را انجام می‌دادم.

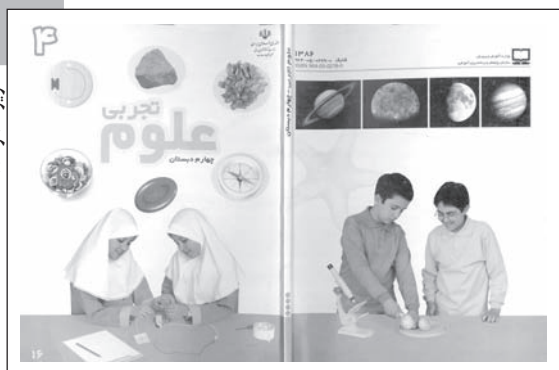
◀ تحریک حس کنجکاوی و علاقه به کشف

تصاویر در فراگیر باید انگیزه و سؤال ایجاد کنند؛ به گونه‌ای که ذهن او با دیدن تصاویر فعال گردد و علاقه‌مندی به کشف در او بیدار شود.

شروع کتاب‌های آموزشی، با توجه به نوع کتاب، همراه با تصاویر متنوع و مرتبط، در تحریک حس کنجکاوی فراگیران مؤثر است. برای مثال، شروع یک کتاب علوم همراه با گیاهان سبز، گل، پروانه و جانوران، بیشتر به تحریک حس کنجکاوی کودکان کمک می‌کند تا کتابی که اولین تصویر آن از رعد و برق و آسمان تیره باشد.

تصویر شماره ۱۴

طرح روی جلد کتاب علوم تجربی چهارم دبستان را نشان می‌دهد. این تصویر به تحریک حس کنجکاوی در فراگیران کمک می‌کند و علاقمندی به کشف را در آن‌ها بیدار می‌کند.

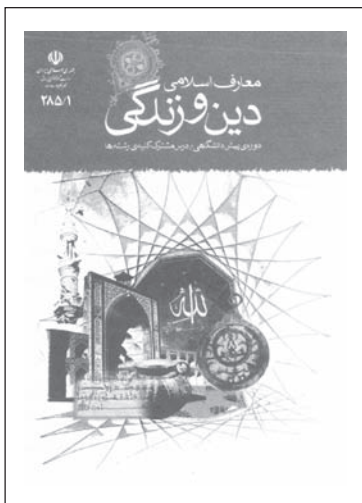


تصویر شماره ۱۴

◀ توجه به هویت ملی، اعتقادی و اسلامی

در طراحی تصویر، باید به هویت تاریخی، قومی، اعتقادی مردم به ویژه ارزش‌های اسلامی توجه کرد. استفاده از طرح‌های تاریخی، بومی و مورد توجه مردم از اهمیت زیادی برخوردار است. شایسته است، محتوای مواد آموزشی به انتقال میراث فرهنگی ملی و منطقه‌ای کمک کند.

تصویر شماره ۱۵ طرح روی جلد کتاب معارف اسلامی دین و زندگی را نشان می‌دهد. در طراحی این تصویر به هویت تاریخی و ارزش‌های اسلامی توجه شده است.



تصویر شماره ۱۵

۲۱۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۶





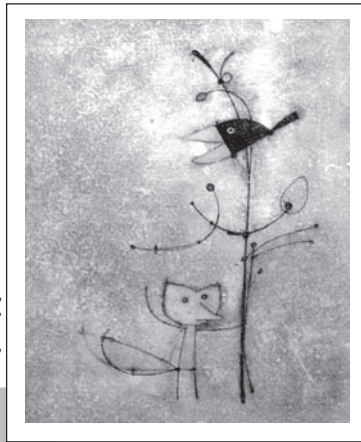
اصل توازن در تصویرگری جنسیت‌ها

اغلب این انتقاد به کتاب‌های آموزشی وارد می‌شود که در تصویرگری کتاب‌ها، غلبه با مردسالاری است، در حالی که نیمی از مخاطبان کتاب‌های آموزشی دختران هستند. توجه نکردن به جنسیت‌ها، موجب بی‌علاقگی نیمی از مخاطبان می‌شود. مخاطبان از هر جنس که باشند، باید به

کتاب احساس دل‌بستگی پیدا کنند و آن را از خود بدانند و یا خود را در آن بیابند. در تصویر شماره ۱۶ طرح روی جلد کتاب آموزش قرآن دوم دبستان توازن در تصویرگری با توجه به مخاطبان (دختر و پسر) کاملاً به چشم می‌خورد.

اصل خلاقیت در اثر هنری

بیان تصویر بدون خلاقیت، ماشینی و غیره ماندگار خواهد بود. بیننده باید در تصویر، هوشمندی، ظرافت و نوآوری مشاهده کند. بروز خلاقیت در تصویر موجب تقویت تفکر و اگر در بیننده می‌شود. تصویر شماره ۱۷ بیانگر نوعی ظرافت و خلاقیت در داستان روباه و زاغ است.

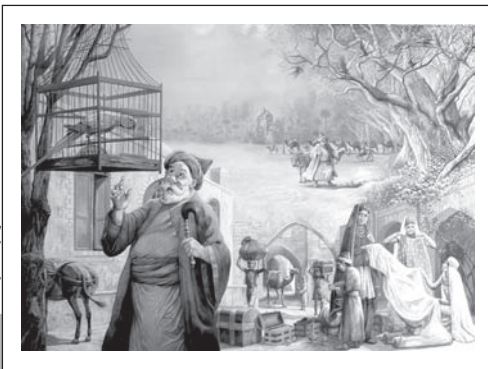


اصل تفاوت در فرهنگ‌های منطقه‌ای

مخاطبان کتاب درسی از نزدیک‌ترین تا دورترین نقطه‌های یک کشور را دربرمی‌گیرند و اغلب دارای فرهنگ‌های متفاوتی هستند. آن‌ها در شهرها، روستاها، و نواحی جغرافیایی متفاوتی چون (مناطق بیابانی، کوهستانی، و معتدل خزری) زندگی می‌کنند. آداب، رسوم، لباس، و شیوه‌ی معیشت هر ناحیه نیز متأثر از شرایط جغرافیایی، گذشته‌ی تاریخی و سنت‌های آن قوم است از سوی دیگر فرهنگ‌ها نیز در طول زمان تغییر می‌کند. دور شدن از ویژگی‌های بومی و یا منطقه‌ای و یا توجه نکردن به تنوع آن‌ها موجب بیگانه‌شدن دانش‌آموز از محتوای

آموزشی می‌شود و درک‌پذیری مفاهیم را برای او دشوار می‌کند.

تصویر شماره ۱۸ ضمن ارتباط با متن داستان (طوطی و بازرگان) متأثر از گذشته تاریخی و آداب و رسوم و سنت مردم در زمان رخداد این حادثه است.



◀ اصل برجسته سازی موضوع

برای رسانایی پیام، هنرمند ممکن است با برجسته سازی موضوع و یا تلفیق تکنیک های گوناگون به قابل حس کردن فضای نوشته کمک کند. برای مثال، تلفیق عکس و نقاشی در یک تصویر، ممکن است به تسهیل تفسیر میکروسکوپی یک موضوع در زیست شناسی کمک کند.

◀ اصل تطبیق با واقعیات

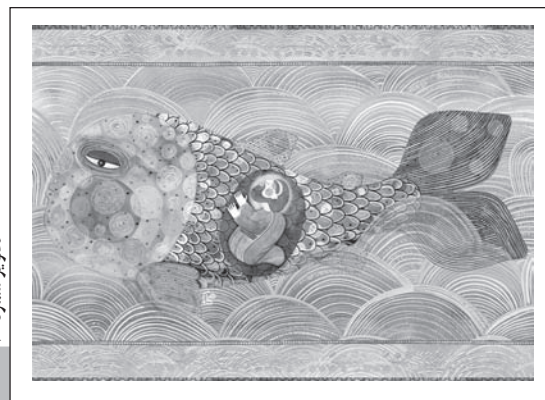
یک تصویر باید نمادی از واقعیات باشد؛ چه علمی، چه اجتماعی، و چه تاریخی یا جغرافیایی. برای مثال، یک کبوتر هیچ گاه روی پنج تخم نمی نشیند و زنان عشایر هیچ گاه چادر نمی پوشند، لباس مردم دوره صفویه، مانند لباس امروز مردم ایران نیست، و یا در بیابان های ایران کاکتوس دیده نمی شود. توجه به عناصر شهری، روستایی، ایلی، اجتماعی، قومی و ناحیه ای (مناطق خزری، بیابانی، کوهستانی، ساحلی) در بهره گیری از تصاویر آموزشی از جمله ضرورت هاست. تصویر ۱۹ رابطه پوشش گیاهی را با آب و هوا در مناطق معتدل کوهستانی نشان می دهد.



◀ اصل برانگیختن ذوق هنری در فراگیران

در تصویرگری برای کودکان، ابتدا باید به طراحی تصاویر نزدیک به ذهن آنان توجه کرد. سپس به ارائه ای تصاویر پیچیده تر و متنوع تر پرداخت. تنوع تصویر، در کتاب های آموزشی مهم است؛ زیرا کتاب آموزشی باید بتواند ذوق هنری را در دانش آموزان نقاط گوناگون کشور تقویت کند. توجه به روش های متنوع تصویرگری، برای مثال نگاه طنزآمیز به تصویر، می تواند کودک پسندی و سرگرم کنندگی کتاب آموزشی را افزایش دهد و بر بار آموزشی آن را بیفزاید. استفاده از ریزنقش ها، مانند حیوانات و تصاویر خنده دار و یا گل ها برای رفع خستگی و تقویت

ذوق هنری و تخیل در مخاطبان دوره دبستانی لازم است. تصویر شماره ۲۰ حضرت یونس (ع) را در شکم ماهی نشان می دهد. روش خاص تصویرگری، استفاده از ریزنقش ها موجب تقویت ذوق هنری و تخیل در کودکان می شود.



۱. کفایتی، سعید. قدرت روایتگری تصویر.
۲. واقفی، شهناز (پائیز ۱۳۸۳). رنگ‌ها و تأثیرات روانی آن‌ها. آموزش راهنمایی تحصیلی. دوره‌ی دهم. شماره‌ی ۱. دفتر امور کمک‌آموزشی.
۳. رون، سید امیر و حدادی، فاطمه (۱۳۸۳). ارزشیابی از اولین جشنواره‌ی تصویرگری کتاب‌های درسی. سازمان پژوهش. اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
۴. مجیدی، موسی (۱۳۷۸). راهنمای ایجاد و گسترش کتابخانه‌های آموزشگاهی.
۵. بیانیه‌ی گروه داوران نخستین جشنواره‌ی تصویرگری کتاب‌های درسی (۱۳۸۳). واحد طرح سامان‌دهی مواد کمک‌آموزشی. دفتر چاپ و توزیع کتب درسی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۶. قاینی، زهره (پائیز ۱۳۸۳). کتاب‌های تصویری و انواع آن. پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان. شماره‌ی ۳۰.
۷. رون، سید امیر (بهار و تابستان ۱۳۸۳). اصول و معیارهای زیباشناسی تصویرهای آموزشی. ۱ و ۲. رشد جوانه.
۸. مصور، ویژه‌ی اولین جشنواره‌ی تصویرسازی کتاب‌های درسی. ۱۵ تا ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۳. اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتب درسی.
۹. مصور، ویژه‌ی دومین جشنواره‌ی تصویرسازی کتاب‌های درسی. ۱۵ تا ۳۰ آذرماه ۱۳۸۴. اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتب درسی.
۱۰. گزارش سی‌امین نشست نقد آثار تصویری کودک و نوجوان، (اردیبهشت ۱۳۸۳). گفت‌وگوی تصویرگر و نویسنده‌ی کتاب. کودک و نوجوان. کتاب ماه کودک و نوجوان شماره‌ی هفتم. ماهنامه‌ی تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب کودک و نوجوان. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. گزارش چهل و پنجمین نشست نقد آثار تصویری کودک و نوجوان (۱۳۸۴). تصویرگران عالی داریم؟ صنعت تصویرسازی نداریم؟ کتاب ماه کودک و نوجوان. شماره‌ی دهم. ماهنامه‌ی تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب کودک و نوجوان. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. رون، سید امیر و حدادی، فاطمه (آذر، ۱۳۸۴). ارزشیابی از دومین جشنواره‌ی تصویرگری کتاب‌های درسی. اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتب درسی.
۱۳. نعمت‌الهی، فرامرز و همکاران (۱۳۸۳). ادبیات کودک و نوجوان (شناسایی، ارزشیابی و ارزش گذاری). اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
۱۴. مصور، ویژه‌ی سومین جشنواره‌ی تصویرسازی کتاب‌های درسی ۵ تا ۲۱ آذرماه ۱۳۸۶، اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.